

شرط تعیین مرجع رسیدگی در رویه داوری تجاری بین‌المللی با تکیه بر آرای ایکسید

علیرضا ابراهیم گل*^۱ - مهدی حقیقیان^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۹/۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۴/۱۳

چکیده

در بسیاری از معاهدات و قراردادهای سرمایه‌گذاری به منظور جلب نظر سرمایه‌گذار و همچنین ایجاد شرایط و زمینه‌های مساعد سرمایه‌گذاری، این اختیار به سرمایه‌گذار داده می‌شود تا در صورت بروز هر نوع اختلاف نسبت به اصل قرارداد، تفسیر یا اجرای مفاد آن، دعوای خود را در مراجع قضאותی داخلی کشور میزبان، دیوان‌های داوری بین‌المللی و یا سایر مراجع پیش‌بینی شده در متن قرارداد یا معاهده ثبت کند. پیش‌بینی هم‌زمان چند مرجع قضאותی گرچه این امکان را برای خواهان دعوا مهیا می‌کند تا با بررسی بیشتر، مرجع مناسب‌تر رسیدگی‌کننده را برای ثبت خواسته خود انتخاب کند، اما صدور آرای متفاوت، ایجاد جریان رسیدگی موازی، ابهام در اجرای آرای متفاوت صادرشده، طولانی شدن روند حل و فصل اختلاف، تاخیر در اجرای مفاد قرارداد و ... از جمله معایبی است که صالح بودن هم‌زمان چند مرجع رسیدگی‌کننده به همراه دارد. شرط تعیین مرجع رسیدگی، شرطی است که دولت‌ها با درج آن در معاهده یا قرارداد از سرمایه‌گذار می‌خواهند تا در صورت بروز هر نوع اختلاف، از میان مراجع مختلف صالح به رسیدگی دست به انتخاب زده و به صورت قطعی تنها یک مرجع را جهت ثبت دعوای خود انتخاب کند.

واژگان کلیدی: داوری تجاری بین‌المللی، شرط انتخاب مرجع رسیدگی، معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری، ایکسید، مرجع صالح رسیدگی

a.r.ebrahimgol@ut.ac.ir

mahdi.haghighian@yahoo.com

۱. استادیار حقوق بین‌الملل پردیس فارابی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

۲. دانشجوی دکتری تخصصی حقوق نفت و گاز دانشگاه شهید بهشتی

مقدمه

هم‌زمان با گسترش مراودات تجاری و بازرگانی، داوری به‌عنوان یکی از مؤثرترین و مهترین شیوه‌های حل و فصل اختلاف میان سرمایه‌گذار خارجی و دولت سرمایه‌پذیر، بخش جدایی‌ناپذیر حقوق تجارت بین‌الملل را تشکیل داده است.^۱ امتیازات و فواید داوری نسبت به دادگاه‌های داخلی از جمله سرعت در رسیدگی، کمتر بودن هزینه دادرسی، تخصصی بودن، محرمانه بودن جریان رسیدگی، لازم‌الاجرا بودن رأی داوری^۲، پذیرش داوری در کشورهای دیگر، انعطاف‌پذیری آیین رسیدگی در کنار نقش مؤثر طرفین در تعیین داوران باعث شده تا داوری نقش بسیار مهمی در حل و فصل اختلافات تجاری در سطح داخلی و بین‌الملل از جمله اختلافات سرمایه‌گذار و دولت سرمایه‌پذیر ایفا کند. با این حال برخی دولت‌ها به‌منظور ایجاد شرایط مساعد جلب سرمایه‌گذاری، در کنار پیش‌بینی نهاد داوری، امکان رجوع به مراجع دیگر از جمله مراجع قضایی داخلی یا نهادهای بین‌المللی دیگر را نیز در متن قرارداد پیش‌بینی می‌کنند^۳، اگرچه این موضوع می‌تواند از مشوق‌های جذب سرمایه‌گذار باشد اما به‌صورت بالقوه ایراداتی به همراه دارد. در این موارد خواهان دعوا به‌منظور اینکه حداقل در یکی از مراجع قضاوتی به رأی دلخواه برسد، به‌صورت هم‌زمان خواسته خود را در چند مرجع ثبت می‌کند، لذا دولت سرمایه‌پذیر ممکن است با سرمایه‌گذاری روبه‌رو شود که علی‌رغم اقامه دعوا در مراجع حل و فصل داخلی^۴ - اعم از قضایی یا داوری - همان پرونده را در مراجع داوری بین‌المللی نیز ثبت کند که نتیجه این امر رسیدگی موازی، صدور احکام متفاوت و بعضاً متضاد و درنهایت عدم دستیابی به راه‌حل نهایی جهت حل و فصل اختلاف است. به همین دلیل برخی دولت‌ها به دنبال آنند تا با درج شروطی در معاهدات یا قراردادهای تجاری از امکان رسیدگی توأمان یا مجدد پرونده‌ای واحد، توسط چند مرجع متفاوت جلوگیری کنند. یکی از این شروط که عموماً در معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری به آن تصریح می‌شود، شرطی است که از سرمایه‌گذار می‌خواهد در صورت بروز اختلاف، از میان تمامی مراجع پیش‌بینی‌شده در متن معاهده یا قرارداد، دست به انتخاب زده و به‌صورت قطعی

۱. شیروی عبدالحسین، *داوری تجاری بین‌الملل*، (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۱) ص ۴.

۲. کاوند محمد، *گزیده آرای داوری مرکز داوری اتاق ایران*، جلد ۱، (تهران، شهر دانش، ۱۳۹۲) ص ۲۱.

۳. Forum shopping اشاره به حالتی دارد که طی آن در متن قرارداد چند مرجع جهت رسیدگی به دعوا صلاحیت رسیدگی رسیدگی پیدا می‌کنند.

۴. Domestic Forum.

صرفاً یکی از آن مراجع را به منظور اقامه دعوا انتخاب کند. شرط «تعیین مرجع رسیدگی»^۱ نافذ رجوع به داوری یا دادگاه‌های داخلی نیست، بلکه ضمن احترام به حق انتخاب سرمایه‌گذار در انتخاب مرجع رسیدگی کننده، وی را ملزم می‌کند از میان چند مرجع تعریف شده در متن قرارداد، صرفاً یکی را به منظور رسیدگی به ادعای خود انتخاب کند. در ادامه ضمن تعریف این شرط و بررسی رویه دیوان داوری ایکسید به عنوان یکی از معتبرترین مراکز داوری بین‌المللی به تشریح آن می‌پردازیم.

شرط تعیین مرجع رسیدگی

مفهوم ادبی این شرط به ضرب‌المثلی لاتین اشاره دارد که بیان می‌کند «وقتی مسیری انتخاب شد، امکانی برای رجوع به سایر مسیرها نیست».^۲ این ضرب‌المثل ناظر به مقطعی است که باید از میان گزینه‌های پیش روی، دست به انتخاب زد و تنها یکی از گزینه‌ها را به صورت قطعی برگزید. انتخاب هر مسیر یا گزینه، امکان رجوع به سایر گزینه‌ها را از انتخاب کننده سلب می‌کند. در یکی از داستان‌های اساطیری، وی تیاژ^۳ شوالیه روسی در مسیر سفر خود به دوراهی می‌رسد که روی سنگ‌نوشته‌ای حکاکی شده بود «اگر به سمت چپ‌برانی اسب خود را از دست می‌دهی و اگر به سمت راست‌برانی سرخود را از دست خواهی داد» لذا این شوالیه مجبور به انتخاب یکی از دو مسیر پیش روی بود. در علم حقوق، این اصطلاح به شرطی اشاره دارد که طی آن طرفین یک قرارداد یا معاهده در صورت وقوع اختلاف، باید از میان مراجع متفاوت صالح به رسیدگی دست به انتخاب قطعی زده و فقط یکی از مراجع را جهت ثبت دعوی خود انتخاب کنند.

علت درج شرط تعیین مرجع رسیدگی

در برخی از قراردادهای تجاری یا معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری، عموماً چند مرجع به عنوان مراجع صالح رسیدگی به اختلاف یا دعاوی محتمل تعیین می‌شوند، در نتیجه خواهان دعوا اعم از آنکه دولت یا سرمایه‌گذار خارجی باشد به فراخور منافع خود و همچنین ماهیت اختلاف

۱. Fork In The Road.

۲. Once one road is chosen there is no recourse to the others.

۳. VITIYAZ.

شکل گرفته، گرایش به سمت انتخاب مرجعی دارد که احتمال موفقیت در آن بیشتر است. با این حال پیش‌بینی چند مرجع صالح به رسیدگی، ایراداتی نیز به همراه خواهد داشت، از جمله اینکه طرف خواهان به منظور دستیابی به حداقل حکم مورد نظر خود، دعوا را در چند مرجع ثبت کند. در چنین حالتی ممکن است در یک پرونده احکام متفاوت یا متضاد صادر شود. به عنوان مثال ممکن است خواهان در یک مرجع محکوم‌له و در مرجعی دیگر و در همان پرونده محکوم به بی‌حقی شود یا اینکه در مرجعی به حداقل غرامت ممکن و در مرجعی دیگر به حداکثر غرامت محکوم شود. نکته قابل توجه این است که احکام صادره از مراجعی صادر می‌شوند که بر مبنای توافق پیشین طرفین، همگی دارای صلاحیت رسیدگی به اختلاف هستند، لذا از حیث صلاحیت صدور رأی هیچ ایرادی به این مراجع وارد نیست. در چنین مواردی مشخص نیست کدام حکم بر دیگری ارجحیت دارد و نهاد اجراکننده حکم، موظف به اجرای کدام یک از احکام است. از طرفی ممکن است خواهان به منظور تطویل دادرسی و جلوگیری از صدور حکمی که پیشاپیش احتمال شکست در آن را می‌دهد یا حتی ایجاد اختلال در روند اجرای قرارداد از حق رجوع به مراجع رسیدگی کننده متفاوت، سوءاستفاده کرده و با طرح دعوا در مراجع مختلف در روند اجرای قرارداد کارشکنی کند. اشکالات فوق‌الذکر منجر به آن شده برخی کشورها با پیش‌بینی «شرط تعیین مرجع رسیدگی» ضمن احترام به گزینه‌های پیش روی سرمایه‌گذار در انتخاب مرجع رسیدگی کننده، وی را مجبور کنند تا در زمان ثبت دعوا صرفاً یکی از مراجع دارای صلاحیت را انتخاب و تنها در همان مرجع نیز ثبت دعوا کند. انتخاب هریک از مراجع به معنای سلب صلاحیت سایر مراجع در رسیدگی به دعوا است. در نتیجه اگر خواهان، داوری خارجی را انتخاب کند دیگر امکان ثبت همان دعوا در نهادهای داخلی و بالعکس را ندارد. هدف اصلی درج این شرط جلوگیری از رسیدگی چند مرجع به موضوعی واحد و در نهایت صدور آرای متفاوت است.^۱ به عنوان مثال بند ۲ ماده ۸ معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری فرانسه و آرژانتین مقرر می‌کند «وقتی سرمایه‌گذار دعوی خود را در دادگاه‌های داخلی یکی از طرفین و یا داوری بین‌المللی ثبت کند، انتخاب هر کدام از آن‌ها (مراجع رسیدگی کننده) قطعی محسوب می‌شود»^۲ طبق این ماده،

۱. United Nation, *Investor-state dispute arising from investment treaties: a review*, Unctad series on international investment policies for development, ۲۰۰۵, page ۲۱.

۲. Christoph Schreuer, *Interaction of international tribunals and domestic courts in*

گرچه سرمایه‌گذار خارجی بین ثبت دعوا در دادگاه‌های داخلی کشور میزبان یا داوری بین‌المللی مختار به انتخاب است، اما ادامه ماده انتخاب مرجع صورت گرفته را قطعی محسوب می‌کند و معنایش این است که خواهان مکلف است از میان مراجع دارای صلاحیت ذکر شده در معاهده، فقط یکی را انتخاب کند، به بیان روشن‌تر انتخاب داوری منجر به سلب صلاحیت دادگاه داخلی و انتخاب دادگاه داخلی منتج به سلب صلاحیت داوری بین‌المللی برای رسیدگی به اختلاف می‌شود.

انواع شرط تعیین مرجع رسیدگی و معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری^۱

معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری هم‌زمان با گسترش روزافزون تجارت در صحنه بین‌الملل نقش مؤثری را باهدف پوشش ریسک پروژه‌های بلندمدت و همچنین ایجاد ثبات برای پروژه‌های سرمایه‌گذاری ایفا می‌کنند.^۲ در بسیاری از معاهدات دوجانبه به منظور حمایت و سهولت سرمایه‌گذاری خارجی^۳ شروط و الزاماتی مورد توافق قرار می‌گیرد که برای طرفین لازم‌الاتباع است. پیش‌بینی و تعیین الزامات مربوط به روش‌های حل و فصل اختلاف^۴ از قسمت‌های مؤثر در معاهدات دوجانبه است. در این قسمت است که چگونگی حل اختلاف و همچنین نهادهای صالح به رسیدگی و حتی آیین‌های دادرسی تعیین می‌شوند. برخی از این شروط میدان عمل خواهان را محدود و برخی وسیع می‌کنند، شرط تعیین مرجع رسیدگی از جمله شروطی است که محدودکننده قدرت عمل خواهان است. این شرط به اشکال مختلفی در معاهدات دوجانبه درج شده به نحوی که برخی معاهدات صریح و برخی به صورت ضمنی متضمن این شرط هستند. به‌عنوان مثال بند ۳ ماده ۸ معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری چین و آرژانتین مقرر می‌کند «پس از سرمایه‌گذاری، زمانی که سرمایه‌گذار دعوای خود را در مراجع صالح طرف قرارداد و یا در نهادهای داوری بین‌المللی ثبت کند، انتخاب صورت گرفته باید قطعی باشد».^۵ این ماده صراحتاً به

^۱ investment law, page ۷۸.

^۲ Bilateral Investment Treaty.

^۳ زمانی قاسم و حبیبی به آذین، اصول حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری، (تهران: انتشارات شهر دانش، ۱۳۹۱) ص ۵۸.

^۴ همان، ص ۵۷.

^۵ Dispute Settlement Mechanism.

^۶ <http://investmentpolicyhub.unctad.org/download/treatyfile/۷۹>.

الزام تعیین قطعی مرجع رسیدگی توسط خواهان اشاره دارد.

با کنکاش در معاهدات دوجانبه، اشکال متفاوتی از شرط انتخاب مرجع دیده می‌شود که ماهیتاً یک مفهوم داشته ولی به صور مختلف و با حدود و ثغور متفاوت در متن معاهده لحاظ شده‌اند. در برخی معاهدات به جای اینکه سرمایه‌گذار مجبور به انتخاب میان مراجع مختلف قضاوتی باشد، برای مراجعه به داوری مکلف است از حق خود برای رجوع به سایر نهادهای پیش‌بینی شده در معاهده «اعراض»^۱ کرده و این حق را پیشاپیش ساقط کند. به عنوان نمونه ماده ۱۱۲۱ نفتا (NAFTA) گرچه به سرمایه‌گذار مجوز اقامه دعوا در داوری را اعطا کرده ولی آن را مشروط به این می‌کند که خواهان پیشاپیش از حق خود برای ثبت دعوا و یا ادامه دعوی جاری در هر نهاد و مرجع توافقی دیگر اعراض کند.^۲ این مقرر در بدو امر سرمایه‌گذار را مکلف به انتخاب قطعی یک مرجع از میان سایر مراجع نمی‌کند، بلکه حتی با مدنظر قرار دادن این احتمال که سرمایه‌گذار قبلاً در مرجعی غیر از داوری نیز اقامه دعوا کرده باشد، ثبت دعوا در داوری را مشروط به این می‌کند که سرمایه‌گذار از ادامه روند رسیدگی دعوی جاری و یا آغاز دعوی جدید در سایر مراجع پیش‌بینی شده در معاهده اعراض کند.

در معاهده آلمان و مکزیک، به نوع دیگری از شرط انتخاب مرجع تصریح شده و در عین حال نسبت به اینکه دعوا ابتدا در مراجع قضایی داخلی ثبت شود یا در مراجع داوری مقررهای متفاوت دارد، همچنین نسبت به اینکه مرجع اولیه ثبت دعوا دادگاه‌های داخلی مکزیک است یا خیر، حکمی متفاوت صادر می‌کند. بند ۴ ماده ۱۲ این معاهده مقرر کرده اگر دعوی ابتدا در مراجع ملی دولت مکزیک - و نه دولت آلمان - ثبت شده باشد، مادامی که دادگاه مکزیک مبادرت به صدور رأی نکرده باشد، خواهان حق پس‌گیری دعوا و ارجاع آن به داوری را دارد اما اگر خواهان ابتدا به داوری مراجعه کرده باشد دیگر نمی‌تواند همان موضوع را در مراجع داخلی اعم از مراجع داخلی آلمان یا مکزیک ارجاع دهد. آنطور که متن این ماده اشاره دارد خواهان مجاز است دعوی ثبت شده در دادگاه مکزیک را تا قبل از صدور حکم پس گرفته و آن را مجدداً در داوری ثبت کند، اما اگر ابتدا داوری را برای رسیدگی به اختلاف خود انتخاب کرده باشد یا اینکه یک‌بار دعوی طرح شده در دادگاه داخلی را پس گرفته و آن در داوری ثبت کرده باشد،

۱. wave.

۲. <http://www.sice.oas.org/trade/nafta/chap112.asp>.

دیگر حق اقامه همان دعوا در مراجع داخلی را از دست می‌دهد. این معاهده برای شرط تعیین مرجع قیود و شروطی تعیین کرده که به نظر می‌رسد دلایل حقوقی نداشته و بیشتر نشات گرفته از میزان، توازن و شکل رابطه تجاری طرفین باشد. در برخی معاهدات دوجانبه از نوع محدودتری از شرط تعیین مرجع استفاده شده است. در معاهده آلمان و تیرینیداد^۱ مقرر شده اگر سرمایه‌گذار اهل تیرینیداد در نهادهای داخلی دولت آلمان اقامه دعوا کند، حتی پس از صدور حکم از دادگاه آلمان نیز همچنان حق ثبت خواسته در داوری را دارد^۲ اما اگر سرمایه‌گذاران آلمانی در دادگاه‌ها و نهادهای داخلی دولت تیرینیداد اقامه دعوا کرده باشند، پس از صدور حکم توسط این مراجع، دیگر حق رجوع به داوری را ندارند. اگرچه این شرط ماهیتاً نوعی شرط تعیین مرجع رسیدگی محسوب می‌شود اما در واقع نوع محدود آن است، زیرا اولاً محدودیتی برای اتباع تیرینیداد در مراجعه به نهادهای رسیدگی ایجاد نکرده ثانیاً الزامی برای سرمایه‌گذار آلمانی جهت انتخاب قطعی یک مرجع از میان سایر مراجع قضاوتی ایجاد نمی‌کند بلکه صرفاً در صورت صدور حکم، حق اقامه دوباره دعوا را از آنان سلب می‌کند. باین حال چون این مقرر در بخشی از جریان رسیدگی ایجاد محدودیت کرده، در نتیجه سرمایه‌گذار آلمانی را مجبور به انتخاب محتاطانه مرجع قضاوتی می‌کند به همین دلیل حتی این نوع شرط نیز همچنان نوعی شرط تعیین مرجع رسیدگی محسوب می‌شود.

در برخی معاهدات، خواهان مکلف نیست از میان مراجع صالح دست به انتخاب بزند، بلکه اجازه ثبت خواسته در دادگاه‌های داخلی را دارد اما اگر تصمیم گرفت همان خواسته را به داوری ارجاع دهد، ابتدا باید دعوای جاری در نهاد داخلی را پس گرفته و سپس حق رجوع مجدد به این نهاد را نیز از خود سلب کند، با این پیش شرط است که خواهان اجازه پیدا می‌کند دعوای خود را به داوری ارجاع دهد.^۳ در برخی متون، به این مدل از شرط تعیین مرجع اصطلاحاً «منع بازگشت»^۴ گفته می‌شود، زیرا خواهان در صورتی حق مراجعه به داوری پیدا می‌کند که دعوای در حال رسیدگی در نهادهای داخلی را پس گرفته و من بعد حق رجوع به این نهادها را نیز از خود

۱. Trinidad and Tobago.

۲. <http://investmentpolicyhub.unctad.org/download/treatyfile/۱۴۳۴>.

۳. Fiona Marshall, "Risks For Host State Of The Entwining Of Investment Treaty And Contract Claims: Dispute Resolution Clauses, Umbrella Clause And Fork-In-The-Road", International Institute For Sustainable Development Bulletin ۴ (august ۲۰۰۹), page ۷.

۴. No U-Turn.

سلب کند و در واقع بازگشتی به این مراجع نداشته باشد حتی اگر بعداً به هر دلیلی تصمیم بگیرد دعوی داور را نیز متوقف کند. بالعکس این حالت نیز متصور است که طی آن خواهان می‌تواند دعوی ثبت شده در داور را تا قبل از صدور حکم پس گرفته و آن را به شرط عدم بازگشت به داور به دادگاه داخلی ارجاع دهد. نوع محدودتری از شرط عدم بازگشت نیز وجود دارد که طی آن انتخاب داور، به صورت مطلق مانع صلاحیت دادگاه داخلی می‌شود اما در صورت انتخاب دادگاه برای ثبت خواسته، خواهان مجاز است تا قبل از صدور حکم قطعی، به شرط توقف دعوا در دادگاه، همان پرونده را به داور ارجاع دهد.^۱

شرط انتخاب مرجع رسیدگی در معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری ایران

جمهوری اسلامی ایران تا به امروز نزدیک به ۶۱ معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری امضا کرده که از میان آنان بیش از ۵۰ معاهده به مرحله اجرا رسیده است.^۲ بررسی معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری ایران، رویه و نظم مشخصی را نسبت به شرط انتخاب مرجع نشان نمی‌دهد، در برخی معاهدات شرط انتخاب مرجع صراحتاً درج شده در حالی که در برخی چنین موردی دیده نمی‌شود و در برخی نیز انواع محدود و یا مشروط این شرط دیده می‌شود. به عنوان مثال معاهده ایران و استرالیا گرچه تصریح دارد که در خلال رسیدگی داور به اختلاف، دادگاه‌های داخلی صلاحیت رسیدگی به همان دعوا را ندارند اما اشاره‌ای به قطعی بودن انتخاب مراجع قضاوتی نمی‌کند.^۴ طبق ظاهر متن معاهده مراجع داخلی صرفاً در خلال زمانی که نهاد داور به پرونده رسیدگی می‌کند مجاز به رسیدگی اختلاف نیستند، بنابراین به نظر می‌رسد در صورت بازپس‌گیری دعوا امکان ثبت همان پرونده در مراجع داخلی مهیا باشد. باین حال چون در زمان رسیدگی به پرونده نمی‌توان همان موضوع را در نهاد داخلی ثبت کرد، لذا این نمونه شرط را می‌توان از انواع ملایم^۵ شرط تعیین مرجع دانست. در معاهده ایران و چین نیز نهادهای داور در خلال رسیدگی دادگاه‌های داخلی به پرونده و یا پس از صدور حکم از این مراجع صلاحیت رسیدگی به همان موضوع را ندارند.^۶ در برخی معاهدات ایران،

۱. ماده ۱۸ معاهده دوجانبه آلمان و اکرین.

۲. <http://investmentpolicyhub.unctad.org/IIA/IiasByContry#iiaInnerMenu>.

۳. بند ۷ ماده ۱۱ معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری ایران و استرالیا.

۴. [HTTP://investmentpolicyhu.unctad.org/download/treatyfile/193](http://investmentpolicyhu.unctad.org/download/treatyfile/193).

۵. Soft.

۶. بند ۳ ماده ۱۲ معاهده دو جانبه سرمایه‌گذاری ایران و چین.

دادگاه‌های داخلی به صورت مطلق نسبت به موضوعی که در داوری ثبت شده باشد صلاحیت رسیدگی را از دست می‌دهند،^۱ بدین ترتیب حتی اگر دعوای ثبت شده در داوری پس گرفته شود بازهم دادگاه‌های داخلی صلاحیت ورود به پرونده را ندارند، معاهده ایران و بنگلادش از این قبیل است. در برخی معاهدات خواهان زمانی می‌تواند دعوای جاری در دادگاه را به داوری ارجاع دهد که اولاً هنوز حکم قطعی از این مراجع صادر نشده باشد ثانیاً موافقت و رضایت طرف دیگر دعوای کسب کند. در معاهده ایران با ژاپن، کره و لبنان از این شکل از شرط تعیین مرجع استفاده شده است.^۳ در این مدل، نکته مهم لزوم کسب موافقت طرف خواننده در ارجاع پرونده به داوری است که در صورت عدم کسب آن، خواهان اجازه ثبت خواسته در داوری را ندارد حتی اگر رسیدگی به پرونده در دادگاه متوقف شده باشد.

معاهده ایران و یونان از معاهداتی است که شرط انتخاب مرجع به صورت کامل و بدون قید و شرط در آن درج شده است. در این معاهده خواهان مکلف شده برای ثبت دعوای خود یکی از مراجع ذکر شده در قرارداد را به صورت قطعی انتخاب کند. ماده ۱۲ معاهده مقرر می‌کند «وقتی سرمایه‌گذار دعوای خود را در مراجع صالح کشور میزبان یا داوری بین‌المللی طرح کند، انتخاب صورت گرفته قطعی است».^۴ این مقرره تمام عناصر لازم برای مؤثر شدن شرط تعیین مرجع را دارد، زیرا اگرچه چند مرجع مختلف صلاحیت رسیدگی به دعوای را دارند اما خواهان مکلف است تنها یکی از این مراجع را انتخاب کند. باین حال در معاهدات منعقد شده با کشورهای چینی، بلاروس، گرجستان، فنلاند، اتیوپی، ایتالیا، قزاقستان نمونه‌ای از شرط تعیین مرجع دیده نمی‌شود، به همین جهت به نظر می‌رسد ایران در درج شرط انتخاب مرجع در معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری، رویه یا نظم مشخصی ندارد و در هر معاهده بسته به خواست طرف مقابل یا شکل مذاکره متفاوت عمل می‌کند.

ارکان اعتبار شرط تعیین مرجع رسیدگی

۱. Ibid, page ۶.

۲. National courts shall not have jurisdiction over any dispute referred to arbitration....

۳. بند ۳ ماده ۱۸ معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری ایران و ژاپن و بند ۳ ماده ۱۲ معاهده ایران و کره و ماده ۱۳ معاهده ایران و لبنان.

۴. ...once the investor has submitted the dispute to the competent tribunal of the host contracting party or to the international arbitration that election shall be final.

پیش‌بینی شرط تعیین مرجع و درج آن در متن یک معاهده به خودی خود مانع از رجوع مضاعف به مراجع قضاوتی و سلب صلاحیت آنان نمی‌شود. در بسیاری از احکام صادره داوری، علی‌رغم درج شرط انتخاب مرجع در متن معاهده یا قرارداد، سرمایه‌گذار به مرجع ثانوی مراجعه کرده و مرکز رجوع‌الیه نیز وارد رسیدگی ماهوی به پرونده شده است. علت به آنجا بازمی‌گردد که مؤثر شدن شرط تعیین مرجع، منوط به این است که سه عنصر اصلی در زمانی واحد در کنار هم قرار بگیرند تا این شرط، اعتبار لازم برای سلب صلاحیت مرجع دوم را پیدا کند. ارکان لازم جهت مؤثر شدن شرط تعیین مرجع، آن است که دعوی واحد، همراه با طرفین واحد، مجدداً در مرجع قضاوتی دوم ثبت شود، مشروط به اینکه متن معاهده یا قرارداد صراحتاً انتخاب مرجع قضاوتی اول را قطعی مقرر کرده باشد، در این صورت شرط انتخاب مرجع مانع از صلاحیت مرجع ثانوی جهت رسیدگی به پرونده می‌شود. در ذیل این سه شرط به تفکیک مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

الف. یکی بودن طرفین اختلاف

یکی بودن طرفین بدین معناست دقیقاً همان اشخاصی در مرجع ثانوی رودرروی هم قرار بگیرند که سابقاً در مرجع اول نیز طرف دعوی هم بودند، اعم از اینکه مرجع اول رسیدگی کننده، نهاد داخلی و یا داوری بوده باشد. به عنوان مثال اگر در پرنده‌ای شرکت الف در دادگاه دادخواستی علیه دولت آلمان ثبت کرده باشد، الزاماً در مرجع دوم نیز همان شرکت الف باید خواهان و دولت آلمان نیز خواننده باشد تا بدین صورت رکن اولیه اعتبار شرط تعیین مرجع ایجاد شود. یکی بودن طرفین دقیقاً مشابه همان چیزی است که در آیین دادرسی مدنی به عنوان وحدت اصحاب دعوا در موضوعاتی همانند اعتبار امر قضاوت شده مطرح می‌شود.

در برخی احکام صادره ایکسید، مرجع صادرکننده رأی به سبب یکی نبودن طرفین، حکم به عدم نقض شرط انتخاب مرجع داده، لذا وارد رسیدگی ماهوی شده و در مقابل، در برخی احکام، مرجع رسیدگی کننده با استناد به یکی بودن طرفین معتقد به نقض شرط تعیین مرجع بوده لذا از رسیدگی به پرونده خودداری کرده و خود را صالح به رسیدگی ندانسته است. ذیلاً برای فهم و

۱. Identical Claim, Same Dispute.

۲. Same Parties, Identical Parties.

۳. Schreuer Christoph, *Travelling The Bit Route Of Waiting Periods, Umbrella Clauses And Forks In The Road*, (Geneva, Jacques Weraer, April ۲۰۰۴) page ۲۴.

تشخیص مفهوم یکی بودن طرفین به بررسی برخی احکام صادره توسط دیوان داوری ایکسید می‌پردازیم. در یکی از پرونده‌های طرح‌شده در ایکسید، برخی سهامداران یکی از مؤسسات مالی و اعتباری استونی علیه دولت استونی اقامه دعوا می‌کنند، دولت استونی با ادعای نقض شرط تعیین مرجع توسط این اشخاص به صلاحیت ایکسید به‌عنوان مرجع مضاعف رسیدگی‌کننده ایراد می‌گیرد. اصل اختلاف طرفین به آنجا بازمی‌گشت که موسسه مالی اعتباری E.I.B از دولت این کشور مجوز فعالیت در استونی می‌گیرد اما دولت پس از مدتی به‌صورت یک‌جانبه مجوز صادره را لغو می‌کند. لغو این مجوز منجر به اقامه دعوی شرکت علیه دولت در دادگاه داخلی استونی می‌شود. در خلال رسیدگی به این پرونده برخی سهامداران آمریکایی این شرکت که سهامداران عمده آن نیز بودند با تکیه بر معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری آمریکا و استونی با ثبت دادخواست در ایکسید خواهان جبران خسارات وارده به سبب تصمیم دولت می‌شوند. بنابراین دو دعوی موازی علیه دولت استونی شکل می‌گیرد، نخست دعوی طرح‌شده در دادگاه داخلی و دیگری دعوی ثبت‌شده در دیوان ایکسید. لازم به ذکر است در معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری آمریکا و استونی شرط تعیین مرجع لحاظ شده بود،^۱ لذا استونی با استناد به همین شرط و با تکیه بر دعوی پیشین طرح‌شده در دادگاه ادعای نقض شرط تعیین مرجع توسط سهامداران آمریکایی را طرح و مدعی می‌شود که این اشخاص سابقاً از حق انتخاب مرجع رسیدگی در غالب شرکت E.I.B استفاده کرده‌اند. با نگاهی عمیق‌تر به خواهان دو پرونده می‌توان متوجه شد این پرونده‌ها دو خواهان متفاوت دارند. خواهان دعوی طرح‌شده در دادگاه استونی شرکت E.I.B بوده در حالی که دعوی ثبت‌شده در ایکسید تنها توسط سهامداران آمریکایی طرح‌شده بود. این پرونده به خوبی اهمیت مفهوم وحدت اصحاب دعوا را نشان می‌دهد. گرچه اتباع آمریکا در مجموع سهامداران عمده شرکت را تشکیل می‌دادند ولی در مقام خواهان شخصیت حقوقی مستقلی از شخصیت حقوقی شرکت داشتند، بنابراین ارتباطی میان دعوی طرح‌شده از حیث یکسانی اصحاب دعوا ایجاد نشده بود. این موضوع را می‌توان از زاویه دیگر نیز بررسی کرد، بدین شکل که منفعت حکم صادره از ایکسید- با فرض آنکه حکم به جبران خسارت اتباع آمریکایی داده شود- صرفاً متوجه این بخش از سهامداران خواهد شد و دولت استونی نیز تنها مکلف به پرداخت

۱. ۳-۱. معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری استونی و آمریکا.

خسارت به این اشخاص می‌شود و تکلیفی به پرداخت خسارت به خود شرکت یا الباقی سهامداران آن ندارد. بنابراین سهامدار بودن اتباع آمریکایی در شرکت E.I.B به معنای یکی بودن خواهان دو دعوا نیست، زیرا همان‌طور که ذکر شد شخصیت حقوقی آنان در مقام خواهان کاملاً مستقل از یکدیگر است^۱، همچنین منفعت احکام احتمالی صادره نیز صرفاً متوجه خود خواهان‌ها می‌شود ولو آنکه اتباع آمریکایی از حکم داخلی دادگاه استونی در غالب بخشی از سهامداران اقلیت یا اکثریت آن شرکت منفعت غیرمستقیم ببرند، بنابراین تضادی در آرای صادره از این دو مرجع ایجاد نخواهد شد، موضوعی که از اهداف شرط تعیین مرجع بوده و ایسکید نیز در نهایت از همین نظر تبعیت می‌کند. مشابه چنین نظری در پرونده‌های دیگر نیز دیده شده است، به‌عنوان مثال در سال ۱۹۹۵ دولت آرژانتین تصمیم به اجرای برنامه خصوصی‌سازی در اقتصاد آن کشور می‌گیرد. در این بین شرکت T.G.N آرژانتین که سهامدار اصلی آن شرکت انتقال گاز C.M.S^۲ آمریکا بود نیز مشمول برنامه خصوصی‌سازی شد. متعاقب اجرای طرح دولت، شرکت T.G.N در دادگاه داخلی آرژانتین اقامه دعوا می‌کند. این پرونده تا دادگاه عالی فدرال آرژانتین نیز پیش می‌رود که در خلال رسیدگی در این مرجع، شرکت آمریکایی C.M.S با استناد به حق رجوع به داوری در معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری آمریکا و آرژانتین، در ایسکید ثبت دعوا می‌کند. خواننده در دفاعیات خویش با استناد به اینکه سهامدار اصلی شرکت T.G.N همین شرکت C.M.S است مدعی شده بود این شرکت پیشاپیش در قالب شرکت آرژانتینی از حق تعیین مرجع خود استفاده کرده، بنابراین با اقامه دعوا در دادگاه آرژانتین، ایسکید عملاً صلاحیت رسیدگی را از دست داده است. ایسکید در رأی خود این ادعا را نمی‌پذیرد، از منظر ایسکید بین شخصیت حقوقی شرکت T.G.N و شرکت C.M.S تمایز وجود داشت. به نظر می‌رسد تفاوت در شخصیت حقوقی این دو شخص بر مبنای سهامداران و چگونگی ثبت این دو شرکت باشد. شرکت T.G.N در آرژانتین ثبت و از مجموعه‌ای از سهامداران تشکیل شده بود که شرکت آمریکایی C.M.S صرفاً بخشی از سهام آن را در اختیار داشت و الباقی سهام آن متعلق به اشخاص حقیقی یا حقوقی

۱. Alex Genin, Eastern Credit Limited Vs Republic of Estonia, case no, ARB ۹۹/۲, award on June ۲۵, ۲۰۰۱ available on: <https://icsid.worldbank.org/apps/ICSIDWEB/cases/Pages/casedetail.aspx?CaseNo=ARB/۹۹/۲>.

۲. Gas Transmission Company (C.M.S).

دیگر بوده است، درحالی که شرکت C.M.S دارای سهامداران متفاوت و شخصیت حقوقی مستقل از T.G.N بود. به همین دلیل صرف‌نظر از میزان سهام C.M.S در شرکت آرژانتینی، این شرکت، خواهانی مستقل از T.G.N محسوب می‌شد. ایکسید نیز با مدنظر قرار دادن تفاوت خواهان دو پرونده معتقد به عدم نقض شرط تعیین مرجع می‌شود و به پرونده ورود می‌کند. این رأی نشان می‌دهد منظور از یکی بودن طرفین الزاماً و مشخصاً یکسان بودن خواهان و خوانده در هر دو دعواست، به‌عنوان مثال اگر در همین پرونده خواهان دعوای طرح‌شده در ایکسید نیز شرکت T.G.N بود یکی بودن طرفین تحقق می‌یافت که نتیجه آن نقض شرط تعیین مرجع می‌شد.

در پرونده دیگر شرکت آمریکایی آزروریکس^۱ در آرژانتین شرکتی محلی تأسیس می‌کند که در زمینه امور آب و فاضلاب با ایالت بوینس آیرس قرارداد منعقد می‌کند، باین حال پس از مدتی مقامات ایالتی به‌صورت یک‌جانبه قرارداد را فسخ می‌کنند. متعاقب فسخ قرارداد، شرکت آرژانتینی علیه لغو امتیاز صورت گرفته در دادگاه داخلی اقامه دعوا می‌کند، در همین حال، شرکت آزروریکس نیز با تکیه بر معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری آمریکا و آرژانتین، علیه آرژانتین در ایکسید ثبت دعوا می‌کند. دولت آرژانتین در دفاعیات خود با اشاره به شرط انتخاب مرجع پیش‌بینی‌شده در معاهده، مدعی بود، شرکت آزروریکس قبلاً در چارچوب همان شرکت محلی در مراجع داخلی آرژانتین ثبت دعوا کرده، لذا از حق انتخاب مرجع خود استفاده کرده است. اما دیوان برخلاف دفاعیات دولت آرژانتین با استدلالی مشابه استدلال پرونده پیشین، نتیجه می‌گیرد که خواهان دادگاه داخلی آرژانتین با خواهان در ایکسید یکی نیستند، زیرا خواهان دعوای اول صرفاً شرکت آرژانتینی و خواهان دعوای دوم صرفاً شرکت آزروریکس بوده است. باین حال دیوان در رأی خود به نکته ظریفی اشاره می‌کند، بر مبنای رأی داوری حتی اگر خواهان دو دعوا نیز یکی باشند، اما خوانندگان دعوای متفاوت از یکدیگرند. ایکسید در رأی خود با تفکیک بین شخصیت حقوقی ایالت بوینس آیرس و شخصیت حقوقی دولت فدرال آرژانتین معتقد بود خواننده دعوا در دادگاه آرژانتین صرفاً ایالت بوینس آیرس بوده، درحالی که دعوای طرح‌شده در ایکسید علیه دولت فدرال آرژانتین طرح شده بود و نه ایالت بوینس آیرس.^۲ در تفسیر رأی دیوان

۱. AZURIX CORP.

۲. AZURIX Vs ARGENTINE ICSID Case No.ARB/۰۱/۱۲, Award on July ۱۴, ۲۰۰۶ available on: <https://icsid.worldbank.org>.

باید توجه داشت حکومت‌های فدرال از ادغام و اتحاد دولت‌های کوچکی تشکیل می‌شوند که دارای دو گرایش اصلی ولی متفاوت هستند، گرایش به اتحاد برای قدرت و اثرگذاری بیشتر در عین گرایش به حفظ استقلال به منظور پاسداشت ارزش‌ها و نیازهای محلی، به همین دلیل ساختار حکومتی فدرال از دولت‌هایی تشکیل شده که در عین یکپارچگی دارای شخصیت حقوقی مستقل از یکدیگرند. تعریف ارائه شده در مورد حکومت فدرال نشان می‌دهد اساساً بین شخصیت حقوقی یک ایالت و شخصیت دولت فدرال تمایز وجود دارد. به همین دلیل خواننده در دعوی اول صرفاً ایالت بوینس آیرس و خواننده دعوی دوم صرفاً دولت فدرال محسوب می‌شود که نتیجه آن تمایز در خوانندگان دو پرونده است. بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت منظور از یکی بودن طرفین الزاماً یکسان بودن خواهان و همچنین خواننده در هر دو مرجع است، امری که ناقض شرط انتخاب مرجع می‌شود و نتیجه آن سلب صلاحیت مرجع دوم در رسیدگی به اختلاف است.

یکی بودن موضوع خواسته

رکن دیگر برای مؤثر شدن شرط انتخاب مرجع، یکسانی جهت و همچنین یکسانی موضوع خواسته در دعوی طرح شده است. جهت یا سبب دعوا به رابطه حقوقی گفته می‌شود که بر مبنای عمل حقوقی، واقعه حقوقی یا قانون به وجود آمده و بر اساس آن خواهان خود را مستحق اقامه دعوا و مطالبه حق می‌داند. مثلاً فردی که اموالش خسارت دیده و مدعی است شخص دیگر مسبب یا متلف مال اوست، به جهت سببیت یا اتلاف ایجاد شده از سوی خواننده خود را مستحق دریافت خسارت می‌داند.

یکسان بودن جهت دعوا به تنهایی به معنای نقض شرط انتخاب مرجع نیست بلکه موضوع خواسته نیز باید در هر دو پرونده طرح شده یکسان باشد. منظور از یکی بودن موضوع خواسته، یکسان بودن سبب و همچنین موضوع مادی مورد مطالبه است، مثلاً در مثال قبل موضوع مادی اتلاف می‌تواند ماشین، تلفن همراه، کشتی و یا هر مال متعلق به خواهان باشد. بدین ترتیب اگر خواهان به دلیل اتلاف ماشینش در دو مرجع اقامه دعوا کند با اتحاد سبب و موضوع روبه‌رو می‌شویم. بنابراین در صورت یکسان بودن موضوع دعوی اعم از سبب و موضوع مادی و

۱. قاضی شریعت پناه، سید ابوالفضل، *بایسته‌های حقوق اساسی*، (تهران: نشر میزان، ۱۳۹۳) ص ۹۰.

۲. شمس عبدالله، آیین دادرسی مدنی، جلد ۳، (تهران: انتشارات داک، ۱۳۸۹) ص ۳۴.

همچنین در صورت وحدت اصحاب پرونده، مرجع دوم به سبب نقض شرط تعیین مرجع صلاحیت ورود به اختلاف را از دست می‌دهد. در برخی آرای صادره ایکسید، خواننده با ادعای یکسان بودن موضوع دعوا به صلاحیت دیوان ایراد گرفته که در نتیجه دیوان مجبور به ارائه تفسیر نسبت به مفهوم جهت و موضوع خواسته شده بود. برای بررسی و درک مفهوم «یکسان بودن موضوع» از منظر ایکسید به بررسی برخی آرای صادره آن نهاد می‌پردازیم.

در پرونده ای، مقامات مصری کشتی‌های متعلق به شرکت یونانی «Middle East Cement» را توقیف و پس از مدتی حراج می‌کنند، موضوعی که منجر به اقامه دعوا علیه این اقدام در دادگاه داخلی مصر می‌شود. متعاقباً این شرکت شکایت دیگری را نیز در ایکسید ثبت می‌کند و خواهان ابطال تصمیم توقیف کشتی‌ها و نهایتاً بازگرداندن آنان به شرکت می‌شود.^۱ وکلای مصری در دفاعیات خود با استناد به ماده ۱۰ معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری مصر و یونان که به شرط تعیین مرجع اشاره داشت، مدعی بودند شرکت یونانی با ثبت خواسته در دادگاه مصر عملاً از حق انتخاب مرجع رسیدگی‌کننده استفاده کرده و مراجعه این شرکت به دیوان ایکسید به معنای نقض شرط تعیین مرجع است. وکلای مصری مدعی بودند در این پرونده علاوه بر وحدت اصحاب دعوا، موضوع دعاوی طرح شده در دو مرجع رسیدگی‌کننده نیز یکسان است. در نگاه اول استدلال وکلای مصری صحیح و مستدل به نظر می‌رسد زیرا در هر دو پرونده، خواهان شرکت یونانی، خواننده دولت مصر و موضوع دعوا نیز کشتی‌های توقیف شده توسط مصر است، لذا در بادی امر شرط تعیین مرجع نقض شده به نظر می‌رسد. باین حال در سبب و جهت دعوا باید بررسی بیشتری کرد. مسئله قابل توجه وجود تمایز میان تعهدات ناشی از معاهده^۲ و تعهدات ناشی از قرارداد^۳ است. در حقوق بین‌الملل معاهده به هر نوع توافق کتبی میان تابعان فعال حقوق بین‌الملل اطلاق می‌شود که ذیل مقررات و قواعد حقوق بین‌الملل منعقد شود و برای طرفین ایجاد تعهد کند،^۴ لذا تعهدات معاهده‌ای به معنای تعهد مستنبط از مفاد معاهده بین‌المللی است که اجرای

۱. Middle East Cement Shipping Vs Arab Republic of Egypt, ICSID case No. ARB/۹۹/۰۶- award o: July ۱۷, ۲۰۰۳, available on: <https://icsid.worldbank.org>.

۲. Treaty.

۳. Contract.

۴. بیگدلی محمدرضا، حقوق بین‌الملل عمومی، (تهران: نشر گنج دانش، ۱۳۸۸) ص ۹۷.

آن نیز باید با رعایت قواعد حقوق بین الملل باشد. اما قرارداد یا عقد به توافق دو یا چند اراده گفته می شود که به منظور ایجاد اثر حقوقی تهیه می شود^۱، بنابراین تعهدات قراردادی نیز به الزامات ناشی از عقود و قراردادهای خصوصی گفته می شود که می تواند انجام یا خودداری از انجام عملی باشد. در رأی صادره از ایکسید می توان به خوبی تمایز میان تعهدات قراردادی و تعهدات معاهده ای را تشخیص داد. دیوان به این نکته اذعان داشت که شکایت ثبت شده در ایکسید پیرو مسئولیت و تعهداتی اقامه شده که دولت مصر بر مبنای معاهده دوجانبه سرمایه گذاری موظف به رعایت آنان بوده^۲ در حالی که خواسته ثبت شده در دادگاه داخلی مصر به سبب نقض مفاد تعهدات قراردادی دولت مصر بوده به همین جهت اساساً سبب دو دعوا از هم متفاوت است، بر همین مبنا دیوان مجاب به رسیدگی می شود.

مشابه چنین استدلالی در سایر پرونده ها نیز دیده می شود. در پرونده ای دیگر، شرکت عمانی «پروژه های خط بیابان»^۳ به منظور ساخت راه آسفالت در یمن، قراردادی با دولت آن کشور امضا می کند. در اجرای قرارداد اختلافاتی میان طرفین شکل می گیرد که منتج به شکایت در نهاد داوری یمن علیه دولت آن کشور می شود. دیوان داوری یمنی رأی صادر می کند که مورد اعتراض شرکت عمانی قرار می گیرد، بالأخص که مدیران شرکت مدعی بودند مقامات یمنی با اعمال فشار سیاسی بر دیوان، داوری آن نهاد را مجبور به صدور رأی غیر عادلانه کرده اند، به همین دلیل برای اعتراض به ایکسید مراجعه و مجدداً علیه دولت یمن اقامه دعوا می کنند. وکلای یمنی با استناد به شرط تعیین مرجع موجود در معاهده دوجانبه سرمایه گذاری مدعی می شوند مراجعه به نهاد داوری در یمن به معنای استفاده از حق انتخاب مرجع توسط شرکت عمانی بوده بنابراین رسیدگی مجدد به موضوعی که سابقاً به آن رسیدگی شده خلاف الزامات شرط تعیین مرجع است، بالأخص که خواسته خواهان در هر دو مرجع دریافت غرامت و جبران خسارت بوده، بنابراین با یکی بودن موضوع و اصحاب دعوا شرط تعیین مرجع عملاً نقض می شود. دیوان در

۱. امیرناصر کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها، جلد ۱، (تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۲) ص ۲۱.

۲. Middle East Cement Shipping Vs Arab Republic of Egypt, ICSID case no. ARB/۹۹/۰۶, award on April ۱۲, ۲۰۰۲, available at: <https://icsid.worldbank.org/apps/ICSIDWEB/cases/Pages/casedetail.aspx?CaseNo=ARB/۹۹/۶>.

۳. Desert line projects.

رأیی مستدل بین تعهدات قراردادی و تعهدات معاهدی قائل به تفکیک می‌شود، نکته مهم اینجاست که گرچه ادعای خوانده در یکسان بودن خواسته درست به نظر می‌رسد، اما تدقیق در خواسته‌ها نشان می‌دهد جهت دعاوی طرح‌شده یکی نیستند و همین عامل باعث می‌شود تا خواسته‌های طرح‌شده عیناً یکی نباشند. جهت و مبنای دریافت خسارت در نهاد داوری یمن تخلف از مفاد قراردادی بوده درحالی که جهت دریافت غرامت در دیوان ایکسید نقض تعهد معاهده‌ای دولت یمن در الزام به رفتار مناسب^۱ با سرمایه‌گذار خارجی بود. توضیح اینکه بر مبنای معاهده دولت یمن و عمان هر کدام از دولت‌های سرمایه‌پذیر مکلف به اعمال رفتار مناسب با سرمایه‌گذار خارجی بودند که می‌تواند طیفی از دسترسی عادلانه به رسیدگی قضایی، منع اجبار و تهدید، حمایت قانونی در برابر مشکلات غیرمتعارف، حسن نیت، حمایت از خواست منصفانه سرمایه‌گذار و اموری این‌چنین را در برگیرد. درحالی که به ادعای شرکت عمانی، دولت یمن با اعمال فشار سیاسی و غیرقانونی بر دیوان داوری یمن، این نهاد را مجبور به صدور حکم ناعادلانه و غیرمنصفانه علیه خواهان کرده، عملی که برخلاف اصل رفتار مناسب با سرمایه‌گذار خارجی است^۲ و در نتیجه آن به سرمایه‌گذار عمانی خسارت وارد شده بود. صرف نظر از درستی یا غلطی چنین ادعایی، چون جهت خواسته در پرونده دوم متفاوت از جهت خواسته اول بود - ولو اینکه موضوع هر دو پرونده دریافت خسارت باشد- دیوان مکلف به ورود به پرونده شد، زیرا رکن یکسان بودن خواسته در این دعاوی ایجاد نشده بود، در واقع یک عنوان خواسته با دو جهت متفاوت مورد مطالبه قرار گرفته بود که باید به هردوی آنان رسیدگی می‌شد. به صورت کلی از این پرونده نتیجه گرفته می‌شود منظور از یکسان بودن موضوع دعوا، یکی بودن کامل خواسته از هر دو حیث سبب و موضوع مادی است که در این صورت خواسته‌های طرح‌شده کاملاً منطبق با یکدیگر محسوب می‌شوند.

در پرونده دیگر شرکت یونانی پانتچنیکی^۳ قراردادی را با دولت آلبانی جهت ساخت و ساز راه منعقد می‌کند. در سال ۱۹۹۷ اکتشاشی گسترده آلبانی را فرامی‌گیرد که در نتیجه آن بخش زیادی

۱. Proper Conduct.

۲. Desert Line Projects Vs Republic of Yemen Case no, ARB/۰۵/۱۷, award on February ۶, ۲۰۰۸ available on: [https:// icsid.worldbank.org](https://icsid.worldbank.org).

۳. Pantechniki s.a. contractors & Engineers .

از اموال این شرکت مورد دستبرد و تخریب قرار می‌گیرد. به منظور برآورد خسارت وارده کمیسیونی با توافق طرفین تشکیل می‌شود که برخلاف ادعای ۴۰۸ میلیون دلاری شرکت پانتچینکی، صرفاً ۱۰۸ میلیون دلار را به عنوان مجموع خسارات وارده بر شرکت تعیین می‌کند. باین وجود وزارت اقتصاد کشور آلبانی از پرداخت همین رقم نیز خودداری می‌کند، متعاقباً این شرکت علیه دولت در دادگاه داخلی آلبانی اقامه دعوا می‌کند که البته نتیجه احکام صادره به ضرر آن می‌شود. جریان دادرسی این پرونده تا دیوان عالی آلبانی نیز ادامه می‌یابد، اما در میانه رسیدگی و قبل از صدور حکم نهایی، شرکت دعوا را پس گرفته و با استناد به معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری یونان و آلبانی، این بار در ایکسید ثبت دعوا و مطالبه خسارت می‌کند. در این پرونده نیز خواننده در دفاع با استناد به شرط تعیین مرجع در معاهده دوجانبه، مدعی نقض این شرط توسط خواهان بوده و به صلاحیت دیوان ایراد می‌گیرد.

در این پرونده نیز دیوان با امعان نظر در ارکان و اسباب دعوی، نقض تعهدات قراردادی و نقض تعهدات ناشی از معاهده را دو خواسته متفاوت از هم تشخیص می‌دهد. جزئیات پرونده نشان می‌دهد خواسته طرح شده در دادگاه آلبانی به سبب نقض تعهدات قراردادی دولت آلبانی بوده در حالی که سبب خواسته طرح شده در ایکسید نقض تعهدات معاهدی آن دولت بود. طبق معاهده منعقدشده، آلبانی مکلف به رعایت رفتار عادلانه و منصفانه^۱ و همچنین ملزم به پشتیبانی کامل و تأمین امنیت^۲ اموال سرمایه‌گذار خارجی بود، در حالی که پانتچینکی مدعی بود این دولت برخلاف تعهدات خود حمایت کافی و مناسب از اموال آنان انجام نداده در نتیجه با قصور ایجاد شده مسئول خسارات وارده به شرکت است. به عبارتی سبب و جهت خواسته طرح شده در داوری عدول از تکالیف معاهده‌ای دولت بود، تکالیفی که نقض آنان منتهی به ایجاد خسارت به خواهان شده بود، در حالی که سبب خسارت در پرونده اول نقض الزامات قراردادی بوده، امری که در نهایت منتج به منطبق نشدن خواسته‌ها بر یکدیگر شد.

در همین پرونده یکی دیگر از خواسته‌های طرح شده خواهان در ایکسید، صدور حکم مبنی بر الزام خواننده به پرداخت خسارتی بود که طرفین سابقاً بر میزان آن توافق کرده بودند. به نظر می‌رسد این قسمت از خواسته تمام عناصر برای نقض شرط تعیین مرجع را داشته باشد. الزام

۱. Fair And Equitable Treatment.

۲. Full Protection And Security.

خواننده به پرداخت خسارت، اولاً مبتنی بر توافق و تراضی طرفین پیرو مذاکراتی بود که قبلاً انجام داده بودند، ثانیاً این توافق ریشه معاهدی نداشته و صرفاً مبتنی بر قرارداد کتبی طرفین بوده و در آخر اینکه خواهان یک‌مرتبۀ این خواسته را در دادگاه آلبانی مطرح کرده بود که به آن نیز رسیدگی شده بود. با توجه به موارد فوق نتیجه حاصله این است که تمام ارکان لازم برای مؤثر شدن شرط تعیین مرجع که عبارت از وحدت اصحاب و وحدت موضوع است، نسبت به این قسمت از خواسته در کنار هم قرار گرفته، بنابراین رجوع به مرجع دوم به جهت نقض شرط تعیین مرجع امکان‌پذیر نیست. ایکسید نیز در رأی خود با اشاره به این استدلال‌ها، از همین نظر تبعیت کرده و رسیدگی به این قسمت از خواسته را ناقض شرط تعیین مرجع دانسته، لذا از رسیدگی به این قسمت خودداری کرد.^۱

این پرونده مؤید دو موضوع مهم در مقوله وحدت خواسته است، نخست اینکه یکسان بودن عنوان خواسته لزوماً به معنای یکسان بودن ماهیت خواسته نیست. در مواردی خواسته واحدی وجود دارد که اسباب آن متفاوت از هم هستند، مثل اینکه دریافت خسارت یک‌بار به سبب اتلاف باشد و بار دیگر به سبب تعهد در پرداخت وجه التزام. ایکسید نیز در چند رأی صادره نشان داد صرف یکسان بودن عنوان خواسته، به معنای نقض انتخاب مرجع نیست، در واقع آنچه باعث می‌شود خواسته (موضوع) دعوا یکسان باشد، علاوه بر وحدت در عنوان (مانند الزام به پرداخت غرامت) باید دارای وحدت در سبب منشأ نیز باشد (مانند الزام به پرداخت خسارت به سبب اتلاف)، در این صورت موضوع دعوا عیناً یکسان می‌شود، امری که منتج به نقض شرط انتخاب مرجع است. باین حال با توجه به چند رأی بررسی شده، دولت‌ها عموماً به دنبال القا آتند که صرف یکسان بودن عنوان خواسته، به معنای یکسان بودن خواسته است، موضوعی که البته مورد پذیرش دیوان قرار نگرفته و یکی بودن سبب را نیز شرط لازم برای یکسان محسوب شدن خواسته می‌داند.

آیا پس‌گیری دعوا در مرجع اول مجوز طرح دعوا در مرجع دوم است؟

۱. Pantechniki S.A. Contractors & Engineers Vs Republic of Albania case no. ARB/۰۷/۲۱ Award on July ۳۰, ۲۰۰۹. available on : <https://icsid.worldbank.org> .

در برخی پرونده‌های طرح شده در داوری، خواهان بدواً به یکی از نهادهای ذیصلاح مقرر در قرارداد مراجعه کرده اما قبل از صدور حکم قطعی، پرونده را پس گرفته و سپس در مرجع دوم ثبت دعوا می‌کند. سوال این است آیا اقامه دعوا در مرجع دوم قبل از صدور حکم از مرجع اول ناقض شرط تعیین مرجع است؟ به بیان بهتر آیا پس گرفتن دعوا از مرجع نخست به معنای ایجاد صلاحیت برای مرجع دوم در رسیدگی به موضوع اختلاف است؟

در سال ۱۹۹۵ قراردادی جهت تأمین انرژی برای یک پروژه صنعتی بین شرکت آمریکایی ام.سی.ال^۱ و دولت اکوادور منعقد می‌شود که پس از مدتی میان طرفین اختلافاتی بروز می‌کند. شرکت خواهان ابتدا در مرجع داوری اکوادور علیه دولت ثبت دعوا کرده اما پیش از پایان رسیدگی و صدور حکم قطعی دعوا را پس گرفته و سپس همان پرونده را در ایکسید طرح می‌کند. مسئله اینجاست که این شرکت سابقاً پرونده را با همان طرفین و با همان موضوع در داوری ثبت کرده بود بنابراین به نظر می‌رسید رجوع به مرجع دوم ناقض شرط تعیین مرجع باشد، موضوعی که خواننده نیز در دفاعیات خود با استناد به آن، طرح ایراد می‌کند. خواهان نیز گرچه اصل یکی بودن خواسته را پذیرفته بود، اما مدعی بود چون از مرجع اول هنوز حکم قطعی صادر نشده، این شرکت مجوز رجوع به مرجع دوم را داشته است.

برای بررسی این موضوع باید توجه داشت اساساً مؤثر شدن شرط تعیین مرجع ارتباطی با نتیجه رسیدگی در مرجع اول ندارد. به عبارتی این شرط در راستای الزام خواهان به انتخاب مرجع رسیدگی کننده تدوین شده و در آن صحبتی از نتیجه یا حکم نیست. صرف رجوع به هر کدام از نهادهای رسیدگی کننده به معنای استفاده از حق انتخاب مرجع رسیدگی کننده است که نتیجه این انتخاب عدم امکان ثبت همان دعوا در مرجع دوم است. به عبارت دقیق‌تر صرف نظر از اینکه اساساً حکمی از مرجع اول صادر شده یا خیر یا اینکه پرونده در کدام مقطع و در کدام مرحله پس گرفته شده، رجوع به مرجع اولیه به معنای این است که خواهان از میان مراجع مختلف دست به انتخاب زده که با توجه به قطعی بودن انتخاب صورت گرفته، نتیجه سلب صلاحیت مرجع دوم برای رسیدگی است. در پرونده کشتی‌های یونانی نیز ایکسید از همین نظر تبعیت کرده و معتقد

۱. M.C.I power group LC. and Nwe Turbinc.INC.

بود صرف‌نظر از نتیجه رسیدگی در مرجع اول^۱ وقتی خواهان یک‌بار برای رسیدگی به مرجعی رجوع کرده، دیگر امکان ثبت همان دعوا در مرجع دیگر را ندارد. باین حال باید توجه داشت حکم فوق‌زمانی جاری است که شرط انتخاب مرجع به صورت مطلق و بدون قید و شرط در قرارداد طرفین درج‌شده باشد، در غیر این صورت مؤثر شدن این شرط منوط به بررسی و اجرای شروط تعیین‌شده است. مثلاً در برخی معاهدات خواهان تا قبل از صدور حکم از مرجع اول، همچنان اجازه ثبت خواسته در مرجع دوم را دارد که علی‌القاعده با این شرط صرف رجوع به مرجع اول نافی صلاحیت مرجع دوم نمی‌شود یا در برخی معاهدات انتخاب دادگاه به‌عنوان مرجع اول رسیدگی‌کننده با انتخاب داوری اثر متفاوتی ایجاد می‌کند. به همین دلیل برای دستیابی به حکم صحیح در هر مورد باید قیود یا شروط احتمالی در شیوه انتخاب مرجع رسیدگی‌کننده، جداگانه مورد بررسی و تدقیق قرار گیرد.

ج. قطعی بودن انتخاب مرجع رسیدگی‌کننده

وحدت اصحاب دعوا و همچنین وحدت موضوع خواسته، به‌تنهایی مانع از رسیدگی پرونده در مرجع ثانوی نیست. عنصر سوم برای معتبر شدن شرط انتخاب مرجع، درج عباراتی در متن قرارداد یا معاهده است که واضحاً نشان‌دهنده الزام خواهان در انتخاب قطعی مرجع رسیدگی باشد. به همین دلیل اگر در متن قرارداد، عبارت یا متنی وجود نداشته باشد که مبین تکلیف خواهان به انتخاب قطعی از میان مراجع رسیدگی‌کننده باشد، شرط تعیین مرجع معتبر نبوده لذا مرجع ثانوی صلاحیت رسیدگی به پرونده را دارد.

به‌عنوان مثال در پرونده «Middle East Cement» علیه دولت مصر، یکی از دلایلی که ایکسید علی‌رغم ثبت قبلی خواسته در مرجعی دیگر حکم به صلاحیت خود داد، این بود که اساساً در معاهده دوجانبه مقررهای وجود نداشت که صراحتاً خواهان را ملزم به انتخاب از میان مراجع

۱. M.C.I Power Group Lc. and New Turbine.INC Vs Republic of Ecuador, ICSID Case no,ARB/۰۳/۰۶,award on july ۲۰۰۷ available at: <https://arbitrationlaw.com/library/mci-power-group-lc-and-new-turbine-inc-v-ecuador-icsid-case-no-arb۰۳۶-usecuador-bit-award>.

مختلف رسیدگی کند بنابراین رجوع به دادگاه نافی صلاحیت ایکسید نشده بود.^۱ ماده ۱۰ معاهده دوجانبه سرمایه گذاری مصر و یونان مقرر کرده بود «در صورت عدم حل دوستانه اختلاف در خلال شش ماه، سرمایه گذار می تواند دعوی خود را در دادگاه صالح طرف قرارداد، یا در دیوان داوری بین المللی ثبت کند...»^۲. عبارت «می تواند» نشان می دهد خواهان برای ثبت دعوا در هر کدام از نهادهای تعیین شده در معاهده دارای اختیار کامل است و مطلقاً از این عبارت اجبار و الزامی در انتخاب قطعی یکی از مراجع رسیدگی کننده استنباط نمی شود، لذا خواهان محدودیتی در مراجعه به نهاد دوم نداشته است،^۳ در حالی که عنصر سوم برای معتبر شدن شرط تعیین مرجع، این است که خواهان مکلف باشد بین مراجع مختلف موجود در متن قرارداد گزینش کرده و صرفاً مجبور به انتخاب یکی از مراجع باشد. بنابراین وجود عباراتی که نشان از انتخاب قطعی نهاد مرجع الیه توسط خواهان باشد ضروری است در غیر این صورت رجوع به هر کدام از مراجع مانعی برای صلاحیت مرجع دیگر نیست.

در یکی از پرونده های ایکسید بین دولت های متبوع طرفین اختلاف، معاهده ای با درج شرط تعیین مرجع منعقد می شود. خواهان حدفاصل زمان چهار ساله بین انعقاد معاهده و تاریخ اجرایی شدن آن، در دو مرجع مختلف اقامه دعوا می کند. چون در خلال این فاصله زمانی، خواهان هیچ الزامی به انتخاب قطعی مرجع رسیدگی کننده نداشته لذا در زمان ثبت دادخواست شرط تعیین مرجع از اعتبار حقوقی و قانونی برخوردار نبوده است. در این پرونده شرکت ام.سی.ام با تابعیت آمریکایی علیه اکوادور، در ایکسید ثبت دعوا می کند در حالی که سابقاً همان دعوا را در دادگاه داخلی اکوادور نیز ثبت کرده بود. اگرچه در معاهده بین آمریکا و اکوادور شرط تعیین مرجع لحاظ شده بود اما چون معاهده در سال ۱۹۹۳ منعقد و در سال ۱۹۹۷ اجرایی می شود، در خلال این فاصله چهار ساله، شرط معتبری وجود نداشته که خواهان را مکلف به انتخاب قطعی مرجع رسیدگی کند، لذا مرجع دوم ممنوعیتی در ورود به پرونده نداشته است. به بیان دیگر ایکسید با توجه به تقدم و تأخر زمانی انعقاد معاهده دوجانبه اکوادور و آمریکا و همچنین زمان ثبت پرونده

۱. <http://investmentpolicyhub.unctad.org/Download/TreatyFile/۷۹>.

۲. If such disputes cannot be settled within six months from the date either party requested amicable settlement, the investor concerned may submit the dispute either to the competent court of the Contracting Party, or to an international arbitration tribunal....”

۳. May

در مرجع نخستین معتقد بود اساساً در زمان ثبت دادخواست در مرجع اولیه الزامی متوجه سرمایه‌گذار جهت انتخاب قطعی مرجع رسیدگی کننده وجود نداشته، در واقع رأی دیوان مؤید این نکته است که شرط انتخاب مرجع زمانی منشأ اثر است که در هنگام رجوع خواهان به مرجع رسیدگی کننده نخستین، شرط قطعی بودن انتخاب و الزام ناشی از آن اعتبار حقوقی داشته باشد تا خواهان مکلف به انتخاب نهاد مرجع‌الیه باشد.

مثال واضحی که نشان‌دهنده الزام سرمایه‌گذار به انتخاب قطعی مرجع رسیدگی کننده باشد، ماده ۸ معاهده سرمایه‌گذاری چین و آرژانتین است^۱ که مقرر می‌کند «جایی که سرمایه‌گذار دعوای خود را در مراجع صالح طرف قرارداد و یا در نهادهای داوری بین‌المللی ثبت کند، انتخاب صورت گرفته باید قطعی باشد»^۲ این عبارات صراحتاً به قطعی بودن انتخاب مرجع رسیدگی کننده اشاره دارد که طی آن خواهان ملزم می‌شود از میان مراجع مختلف صرفاً یکی را انتخاب کند و بدین ترتیب از رجوع به سایر مراجع منع می‌شود.

نتیجه‌گیری

داوری در کنار تمام مزایایی که دارد می‌تواند ایراداتی نیز داشته باشد، قدر مسلم اینکه دولت‌ها و سرمایه‌گذاران به‌منظور تسهیل روند سرمایه‌گذاری و همچنین اجتناب از معایب احتمالی دادرسی‌های داخلی، داوری را به‌عنوان یکی از مناسب‌ترین روش‌های حل و فصل اختلاف انتخاب می‌کنند. باین حال یکی از عوامل نگرانی کشورهای سرمایه‌پذیر در بحث داوری، وجود صلاحیت مضاعف برای مراجع قضاوتی متفاوت نسبت به موضوعی واحد است. اینکه چند دادگاه یا مرجع به‌صورت هم‌زمان صلاحیت رسیدگی به موضوعی واحد داشته باشند، نه تنها می‌تواند روند رسیدگی به یک پرونده را طولانی‌تر کند، بلکه می‌تواند به اهرمی جهت سو استفاده سرمایه‌گذار خارجی تبدیل شود، زیرا سرمایه‌گذار تلاش می‌کند دعوای خود را در مرجعی ثبت کند که امکان موفقیت بیشتری در آن وجود داشته باشد حتی اگر مجبور شود دعوا

۱. B.I.T between People's Republic of china and Republic Of Argentine available at: <http://investmentpolicyhub.unctad.org/Download/TreatyFile/v۹>

۲. where an investor has submitted a dispute to the aforementioned competent tribunal of the contracting party where the investor had been made to international arbitration this choice shall be final

را در چند مرجع ثبت کند. این ایراد در کنار سایر ایرادات ذکر شده منتج به آن شده تا دولت‌ها ضمن احترام به تمایل بیشتر سرمایه‌گذار در رجوع به داوری، با لحاظ کردن شرط انتخاب مرجع رسیدگی، سرمایه‌گذار را مجبور به انتخاب قطعی یک مرجع از میان مراجع مختلف کنند، بدین صورت که انتخاب هر کدام از مراجع منتج به سلب صلاحیت سایر مراجع جهت رسیدگی باشد. با این حال این شرط هنوز جایگاه مستحکمی در داوری‌های بین‌المللی پیدا نکرده است. در بسیاری از معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری از چنین شرطی استفاده نشده و یا از انواع مشروط یا مقید آن استفاده شده، به همین دلیل در صورت تردید در وجود یا عدم وجود این شرط، اصل بر عدم وجود آن است زیرا به نظر می‌رسد کشورهای عمده سرمایه‌پذیر فعلاً تمایل چندانی به ایجاد چنین محدودیتی برای سرمایه‌گذار خارجی نداشته باشند. با این وجود، گسترش هرچه بیشتر تجارت در عرصه بین‌الملل و همچنین رجوع گسترده‌تر به دیوان‌های داوری به آرامی معایب و مشکلات ناشی از صلاحیت مراجع متفاوت برای رسیدگی به موضوع واحد را بیش‌ازپیش نمایان می‌کند. در نتیجه به نظر می‌رسد کشورهای سرمایه‌پذیر در آتی نسبت به صلاحیت مضاعف چند مرجع حساس‌تر خواهند شد و در آینده شاهد درج گسترده‌تر این شرط در معاهدات و قراردادهای تجاری بین‌المللی باشیم.

منابع

فارسی

- اصول حقوق سرمایه‌گذاری ترجمه دکتر قاسم زمانی و دکتر به آذین حسینی، (تهران: انتشارات شهر دانش، ۱۳۹۱).
- کاتوزیان امیرناصر، قواعد عمومی قراردادها، جلد ۱، (تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۲).
- شمس عبدالله، آیین دادرسی مدنی دوره بنیادین، جلد ۳، (تهران: انتشارات دراک، ۱۳۸۹).
- شیروی عبدالحسین، داوری تجاری بین‌المللی، (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۱).

- ضیایی بیگدلی محمد رضا، حقوق بین‌الملل عمومی، (تهران: نشر گنج دانش، ۱۳۸۸).
- قاضی (شریعت پناه) سید ابوالفضل، بایسته‌های حقوق اساسی، (تهران: نشر میزان، ۱۳۹۳).
- گزیده آرای داوری مرکز داوری اتاق ایران، به اهتمام محمد کاکاوند، جلد ۱، (تهران: انتشارات شهر دانش، ۱۳۹۲).

English Sources

- Christoph schreuer, "*interaction of international tribunals and domestic courts in investment law*", fork in the road.
- Christoph Schreuer, "*Travelling the bit route of waiting periods, umbrella clauses and forks in the road*", Geneva, publisher and editor Jacques werner, April ۲۰۰۴.
- Fiona Marshall, "*Risks for host state of the entwining of investment treaty and contract claims: dispute resolution clauses, umbrella clause and fork-in-the-road, bulletin*", international institute for sustainable development, August ۲۰۰۹.
- "*Investor-state dispute arising from investment treaties: a review*", Unctad series on international investment policies for development, united nation, ۲۰۰۵.
- *North American Free Trade Agreement (NAFTA)* available at: <http://www.sice.oas.org/Trade/NAFTA/chap-۱۱۲.asp>.
- Bilateral Investment Treaties:*
- B.I.T between *Republic of France and Republic of Argentina*, available at: [http://investorstatelawguide.com/documents/documents/BIT-۰۰۰۵/۲۰-۲۰Argentina-France/۲۰BIT/۲۰\(۱۹۹۱\)/۲۰\[english/۲۰translation\]/۲۰UNTS.pdf](http://investorstatelawguide.com/documents/documents/BIT-۰۰۰۵/۲۰-۲۰Argentina-France/۲۰BIT/۲۰(۱۹۹۱)/۲۰[english/۲۰translation]/۲۰UNTS.pdf).
- B.I.T between *Federal Republic of Germany and Republic of Trinidad and Tobago* available at: <http://investmentpolicyhub.unctad.org/download/treatyfile/۱۴۳۴>.
- B.I.T between *Islamic Republic of Iran and Federal Republic of Ethiopia* available at: <http://investmentpolicyhub.unctad.org/Download/TreatyFile/۱۱۶۶>.
- B.I.T between *Islamic Republic of Iran and Japan* available at: <http://investmentpolicyhub.unctad.org/Download/TreatyFile/۳۵۷۸>.
- B.I.T between *Islamic Republic of Iran and Hellenic Republic* available at: <http://investmentpolicyhub.unctad.org/Download/TreatyFile/۷۴۴>.
- B.I.T between *Islamic Republic of Iran and Italian Republic* available at: <http://investmentpolicyhub.unctad.org/Download/TreatyFile/۳۲۰۱>.
- B.I.T between *Islamic Republic Of Iran and Lebanese Republic* available at : <http://investmentpolicyhub.unctad.org/Download/TreatyFile/۱۶۵۴>.
- B.I.T between *Islamic Republic of Iran and People's Republic of China* available at: <http://investmentpolicyhub.unctad.org/Download/TreatyFile/۷۴۴>.
- B.I.T between *Islamic Republic of Iran and Republic Of Australia* available at: <http://investmentpolicyhu.unctad.org/download/treatyfile/۱۹۳>.
- B.I.T between *Islamic Republic Of Iran and The People's Republic Of*



Bangladesh available at: <http://investmentpolicyhub.unctad.org/Download/TreatyFile/۲۶۷>.

- B.I.T between *Islamic Republic Of Iran and Republic Of Kazakhstan* available at: <http://investmentpolicyhub.unctad.org/Download/TreatyFile/۱۶۵۱>.

- B.I.T between *Islamic Republic Of Iran and Republic Of Korea* available at: <http://investmentpolicyhub.unctad.org/Download/TreatyFile/۱۶۵۲>.

- B.I.T between *Japan and Ukraine* available at: <http://investmentpolicyhub.unctad.org/Download/TreatyFile/۳۳۲۴>.

- B.I.T between *People's Republic of china and Republic Of Argentine* available at: <http://investmentpolicyhub.unctad.org/Download/TreatyFile/۷۹>.

- B.I.T Between *Republic of Egypt and Hellenic Republic*, ۱۹۹۳, available at: <http://investmentpolicyhub.unctad.org/Download/TreatyFile/۱۰۷۵>.

- B.I.T between *the United Mexican States and the Federal Republic of Germany* available at: <http://investmentpolicyhub.unctad.org/Download/TreatyFile/۱۳۷۱>.

- B.I.T between the *United States of America and the Republic of Ecuador* available at: <http://investmentpolicyhub.unctad.org/Download/TreatyFile/۱۰۶۵>

Arbitral awards:

- A.s.Baltoil, Alex Genin , Eastern Credit Limited Vs Republic of Estonia *ICSID Case No,ARB/۹۹/۲,award on June ۲۵, ۲۰۰۱* available at: <https://icsid.worldbank.org/apps/ICSIDWEB/cases/Pages/casedetail.aspx?CaseNo=ARB/۹۹/۲>.

- Azurix corp Vs Republic of Argentine, *ICSID Case No.ARB/۰۱/۱۲, Award on June ۱۸,۲۰۱۲*, available at: <https://icsid.worldbank.org/apps/ICSIDWEB/cases/Pages/casedetail.aspx?CaseNo=ARB/۰۳/۳۰&tab=PRO>.

- CMS gas transmission company Vs Republic of Argentine *ICSID case No,ARB/۰۱/۸ Award on may ۱۲, ۲۰۰۵* available at: <https://icsid.worldbank.org/apps/ICSIDWEB/cases/Pages/casedetail.aspx?CaseNo=ARB/۰۱/۸>.

- Desert Line Projects Vs Republic of Yemen, *ICSID Case no, ARB/۰۵/۱۷, award on February ۶, ۲۰۰۸* available at: <https://icsid.worldbank.org/apps/ICSIDWEB/cases/Pages/casedetail.aspx?CaseNo=ARB/۰۵/۱۷>.

-M.C.I Power Group Lc. And New Turbine.INC Vs Republic of Ecuador, *ICSID Case no,ARB/۰۳/۰۶,award on july ۲۰۰۲۰۰۷* available at: <https://arbitrationlaw.com/library/mci-power-group-lc-and-new-turbine-inc-v-ecuador-icsid-case-no-arb-۰۳۶-usecuador-bit-award>.

- Middle East Cement Shipping Vs Arab Republic of Egypt, *ICSID case no. ARB/۹۹/۰۶, award on April ۱۲,۲۰۰۲*, available at: <https://icsid.worldbank.org/apps/ICSIDWEB/cases/Pages/casedetail.aspx?CaseNo=ARB/۹۹/۶>.

-Pantechniki S.A. Contractors & Engineers Vs Republic of Albania *ICSID, case no.ARB/۰۷/۲۱ Award on July ۳۰, ۲۰۰۹*. Available at: <https://icsid.worldbank.org/apps/ICSIDWEB/cases/Pages/casedetail.aspx?CaseNo=ARB/۰۷/۲۱>.

